

فهرست

۷.....	درس نامه لغت دهم.....
۲۱.....	درس نامه لغت یازدهم.....
۳۶.....	درس نامه لغت دوازدهم.....
۵۵.....	پرسش‌های لغت دهم.....
۵۹.....	پرسش‌های لغت یازدهم.....
۶۳.....	پرسش‌های لغت دوازدهم.....
۶۸.....	درس نامه املای دهم.....
۸۰.....	درس نامه املای یازدهم.....
۸۸.....	درس نامه املای دوازدهم.....
۹۴.....	پرسش‌های املای دهم.....
۹۹.....	پرسش‌های املای یازدهم.....
۱۰۴.....	پرسش‌های املای دوازدهم.....
۱۰۹.....	درس نامه تاریخ ادبیات دهم.....
۱۱۵.....	درس نامه تاریخ ادبیات یازدهم.....
۱۲۱.....	درس نامه تاریخ ادبیات دوازدهم.....
۱۲۶.....	پرسش‌های تاریخ ادبیات دهم.....
۱۲۷.....	پرسش‌های تاریخ ادبیات یازدهم.....
۱۲۹.....	پرسش‌های تاریخ ادبیات دوازدهم.....
۱۳۱.....	درس نامه آرایه‌های ادبی.....
۱۵۱.....	پرسش‌های آرایه‌های ادبی.....
۱۷۲.....	درس نامه زبان فارسی.....
۲۲۰.....	پرسش‌های موضوعی زبان فارسی.....
۲۳۰.....	پرسش‌های جامع زبان فارسی.....
۲۴۲.....	پرسش‌های قرابت معنایی دهم.....
۲۴۶.....	پرسش‌های قرابت معنایی یازدهم.....
۲۵۰.....	پرسش‌های قرابت معنایی دوازدهم.....
۲۵۴.....	پرسش‌های جامع قرابت معنایی.....
۲۹۹.....	آزمون‌های جامع.....
۳۱۵.....	پاسخ نامه تشریحی.....
۳۸۷.....	پاسخ نامه کلیدی.....

نمودار پیکانی

شکل های مختلف نمودار پیکانی

۱- وابسته های پیشین + هسته، مثال:

این خانه - استاد اسدی - عجب هوایی! - همین دو دانشمند

۲- هسته + وابسته های پسین، مثال:

خانه بزرگ - استادم - هوای خوب شمالی - دانشمند بزرگ جهان

۳- وابسته های پیشین + هسته + وابسته های پسین، مثال:

این خانه بزرگ - همین استاد خوبم - کدام هوای خوب شمالی؟ - دو دانشمند بزرگ ایرانی

۴- وابسته های پیشین + ممیز + هسته + ...، مثال:

دو دستگاه خانه - چهار عزا ده توپ جنگی - همین پنج دهنه دکان نانویی

۵- [... +] هسته + صفت (رنگ) + صفت صفت (رنگ رنگ) + ...، مثال:

لباس آبی سیر - کدام پیراهن سبز یشمی؟ - پیراهن سبز یشمی پریسا

۶- [... +] هسته + قید صفت + صفت + ...، مثال:

دختری فوق العاده باهوش - همین انسان بسیار خردمند - هوای نسبتاً خوب پاییزی شمال

۷- [... +] هسته + مضاف الیه + مضاف الیه مضاف الیه + ...، مثال:

کیف پسر همسایه - کتاب تاریخ ایران ما - همین باغ روستای احمدآباد اصفهان

۸- [... +] هسته + وابسته های پیشین + مضاف الیه + ...، مثال:

هوای این اتاق - بزرگ ترین پنجره دومین کلاس - کنار بهترین ساحل دریا

۹- [... +] هسته + مضاف الیه + صفت مضاف الیه + ...، مثال:

هوای شهر زیبا - قلّه کوه بلند دماوند - بهترین معلم کلاس سوم ما

نتیجه گیری:

برای رسم نمودار پیکانی به ترتیب زیر عمل می کنیم:

۱- ابتدا هسته را مشخص می کنیم:

همین پنج دستگاه یخچال سفید شیری خانه نسبتاً بزرگ

۲- با توجه به هسته، اگر وابسته وابسته داشتیم؛ آن‌ها را شناسایی و به وابسته‌اش وصل می‌کنیم:

همین پنج دستگاه یخچال سفید شیری خانه نسبتاً بزرگ

۳- وابسته‌های وابسته بعد از هسته به همراه وابسته وصل می‌شوند، با رعایت اولویت پسین‌ها

به ترتیب نزدیکی به هسته:

همین پنج دستگاه یخچال سفید شیری خانه نسبتاً بزرگ

۴- وابسته‌های پیشین یا وابسته‌های قبل از هسته، در انتها با رعایت اولویت پیشین‌ها به ترتیب

نزدیکی به هسته وصل می‌شوند:

همین پنج دستگاه یخچال سفید شیری خانه نسبتاً بزرگ

هشدار مهم:

در نمودار پیکانی، معمولاً اسم را به صفت وصل نمی‌کنیم:

نمودار نادرست: هوای خوب تهران بزرگ نمودار درست: هوای خوب تهران بزرگ

مثال اگر بخواهیم «وابسته وابسته» را در مصراع‌های زیر ترسیم کنیم، کدام مورد متفاوت است؟

(۱) ابروی دوست کی شود دست‌کش خیال من (۲) کی طمع در گردش گردون دون پرور کنم

(۳) دور باد آفت دور فلک از جان و تنش (۴) هزار گونه سخن در دهان و لب خاموش

پاسخ نمودار وابسته‌های وابسته:

گزینه (۱): دست‌کش خیال من گزینه (۲): گردش گردون دون پرور

گزینه (۳): آفت دور فلک گزینه (۴): هزار گونه سخن

مثال نمودار کدام گروه‌واژه، غلط است؟

(۱) این غلام حافظ خوش لهجه خوش آواز (۲) پریشانی شب‌های دراز غم معشوق

(۳) شب‌های نسبتاً گرم تابستان گذشته (۴) بزرگ‌ترین اخترشناس قرن بیستم جهان

پاسخ شکل صحیح: این غلام حافظ خوش لهجه خوش آواز

۱- وابسته‌های پیشین را هم می‌توان به طور مستقیم به هسته (مثل کنکور) یا به تمام هسته و وابسته‌های پسین وصل کرد. هر دو گزینه صحیح است و البته نظر کنکور صحیح‌تر!!

فرهنگ هم‌آوایی

سباهی‌ها	أشباح	آینده	آجل
همانندان	أشباه	شتاب‌کننده	عاجل
گمراه‌کردن	إغوا	ماه فروردین	آذار
غنی‌گردیدن	إقوا	اذیت	آزار
درد و رنج	ألم	آتش	آذر
پرچم	عَلَم	پدر ابراهیم	آزر
لغوکردن	الغا	بله	آری
آموختن	القا	برهنه	عاری
امیری	إمارت	مبحثی در شیمی	آلی
آبادانی	إعمارت	شریف	عالی
آرزو	أمل	پیروان	آتابع
کار	عَمَل	سرشت‌ها	أطباع
نسبت‌دادن	انتساب	لوازم خانه	اثاث
گماشتن	انتصاب	بنیاد	اساس
رانده‌شدن	انتفاء	مرگ	أجل
نفع‌بردن	انتفاع	شتاب‌کننده	عَجَل
ماه سوم بهار	ایار	یاری‌کردن برای بردن بار	إحمال
ارزش	عیار	سستی‌کردن	إهمال
سرکش	باغی	حال‌ها	أحوال
بقیه، استوار	باقی	ترس‌ها	أهوال
دریا	بحر	زمین	ارض
نصب، بهره	بهر	ارزش	ارز
بیزاری	برائت	بیان	عَرَض
برتری	براعت	آبرو	عِرَض
نام درختی	تاق	شلوار	إزار
یکتا، سقف	طاق	چهره	عذار
مهلت‌دادن	تأجیل	اسم‌ها	أسماء
عجله‌کردن	تعجیل	گوش‌ها	أسماع
دردمندی	تألم	طلب غله کردن	استغلال
آموختن	تعلم	طلب قله کردن	استقلال
		زندانی	اسیر
		کره آتش	اثير
		افشیره	عصير

گرانبها	ثمن	اندیشیدن	تأمل
چاق	سمین	به عمل پرداختن	تعمل
قیمت	ثمن	امیری کردن	تأمیر
گل یاسمن	سمن	آباد کردن	تعمیر
ستایش	ثنا	درنگ کردن	تأتی
روشنایی	سنا	رنجانیدن	تعنی
پاداش آخری	ثواب	تفسیر	تأویل
درست	صواب	مددخواهی	تعویل
ریشهٔ دوم عددی را گرفتن	جذر	واگذاری	تحویل
پسرفت آب دریا	جزر	ترساندن	تهویل
دوراندیش	حازم	حد و مرز قائل شدن	تحدید
هضم کننده	هاضم	ترسانیدن	تهدید
آماده	حاضر	تجزیه کردن	تحلیل
ترساننده	حاذر	لا اله الا الله گفتن	تهلیل
افسوس	حسر	ربودن	تخلّس
محاصره کردن	حصر	رهایی	تخلّص
مانع	حایل	بالانس	تراز
ترسناک	هایل	زینت، آرایش	طراز
ترس	خَدَر	حیله و مکر	تَرَب
حاضر بودن	حَضَر	شادی	طرب
پاسبانان	حَرَس	خدا را به پاکی یاد کردن	تسبیح
بریدن شاخهٔ درخت	هَرَس	بامداد آمدن	تصبیح
کشت	حَرَث	دعا	تعویذ
دوراندیشی	حزم	عوض کردن	تعویض
تجزیهٔ غذا	هضم	چیرگی	تغلب
پستی	حَضِض	دگرگون شدن	تقلّب
کامیاب	حظیظ	تور ماهیگیری	تور
سیه چشمان سپیداندام	حور	کوه طور	طور
خورشید	هور	انجیر	تین
ناحیه	حوزه	گل، خاک	طین
حوض کوچک	حوضه	نزدیکی جستن	توشل
پیرامون	حول	به هم پیوستن	توصل
ترس	هول	میوه	ثمر
		افسانه	سَمَر

جراحی	زخم	زندگی	حیات
درشت، ضخیم	ضخم	محوطه خانه	حیات
روزگار	زمان	تیغ	خار
ضمانت	زمان	پست	خوار
خاک	زمین	برخاستن	خاستن
ضامن	ضمین	طلب کردن	خواستن
پیر، پدر رستم	زال	رئیس	خان
گمراه	ضال	سفره	خوان
ماده هلاک کننده	زهر	بلندشده	خاسته
پشت	ظَهْر	ثروت	خواستِه
نام سرزمینی	سبا	خود، خوشایند	خویش
باد شمال شرق	صبا	گاو آهن	خیش
چهارپا	ستور	واحد طول	ذرع
سطرها	سطور	کشت	زرع
مانع	سد	صاحب	ذی
عدد ۱۰۰	صد	به سوی	زی
مسافرت	تَسْفَر	چانه	دَقَن
ماه قمری	صَفَر	پرنده شکاری	رَعَن
کتاب	یسفر	زیرکی	ذکاء
عدد صفر	صِفر	پاک شدن	زکاء
تخت	سریر	خواری	دُل
صدای قلم	صریر	گمراهی	ضَلّ
فرستاده	سفیر	زشتی‌ها	ذمائم
صدا	صفیر	پیوست‌ها	ضمائم
آب شیرین	سلسال	اهل شهر ری	رازی
گل خشک	صلصال	خشنود	راضی
مهمانی	سور	کامل، رسنده	رسا
شیپور	صور	شعر گفتن در مرگ کسی	رثا
سوره‌ها	سُور	مطلوب	رغیب
شکل‌ها	صُور	نگهبان	رقیب
تندی، تیزی	سورت	توشه، زابیدن	زاد
شکل	صورت	نام حرف «ض»	ضاد
گل سرخ	سوری	آزار	رَجْر
ظاهری	صوری	نالیدن	صَجْر

سخن چینی	غمز	فراموشی	سهو
چشم‌پوشی	غمض	هشیاری	صحو
گمراه	غوی	شمشیر	سیف
نیرومند	قوی	تابستان	صیف
فریادرس	غیاث	انگشت بزرگ، قلاب	شست
اندازه‌گرفتن	قیاس	عدد ۶۰	شصت
آسوده	فارغ	نور	ضیاء
جداکننده	فارق	زمین زراعتی	ضیاع
بن مضارع افزودن	فزا	چیزهای آشکار	ظواهر
هوا	فضا	شکوفه‌ها	زواهر
آسایش	فراغ	بیهوده	عبث
جدایی	فراق	ترش‌رویی	عَبَس
دست‌گشادگی	فساحت	آهنگ‌نمودن	عزیم
شیوایی	فَصَاحَت	بزرگ	عظیم
سخن بیهوده	لغو	جنگجو	غازی
کج‌شدن دهان و صورت	لَقَو	حکم‌کننده	قاضی
بازگشتن	مآب	حیله‌گر	غادر
عیب	معاب	توانا	قادر
آثار نیک	مآثر	چیره	غالب
هم‌عصر	معاصر	شکل	قالب
مأنوس	مألوف	غلوکننده	غالی
چاق و فربه	معلوف	نوعی فرش	قالی
دردمند	مألوم	حیله	عَدَر
آشکار	معلوم	ارزش	قدر
فرستاده	مأمور	خوردنی	غذا
آبادان	معمور	جنگ	غزا
هزینه، درد	مئونت	سرنوشت، قضاوت	قضا
کمک کردن	معونت	شگفتی، دوری	غرابت
کارهای مشروع و روا	مباحات	نزدیکی	قربانت
افتخار کردن	مباهات	تنهایی	غربت
غمگین	متأثر	نزدیکی	قربت
لغزنده	متعثر	دور از وطن	غریب
مشکل	متعسر	نزدیک	قریب

متأمل	تأمل کننده	مستغلات	زمین‌های کشاورزی
متعمّل	کوشش کننده	مستقلات	جمع مستقل
متبوع	پیروی شده	مستور	پوشیده
مطبوع	خوشایند	مسطور	نوشته شده
مُسرّ	مسرور کننده	مغلوب	شکست خورده
مُصرّ	اصرار کننده	مقلوب	واژگون
محجور	کم عقل منع شده از اموال خود	منثور	پراکنده
مهجور	دورافتاده	منصور	پیروز
محراب	محل عبادت	منسوب	نسبت داده شده
مهراب	پدر بزرگ رستم	منصوب	گماشته شده
محضور	حاضر شده	نثر	پراکندن
محظور / محذور	ممنوع، مانع	نصر	پیروزی
مذلت	خواری	نذیر	ترساننده
مَزَلت	لغزش و خطا	نظیر	مانند
مذموم	نکوهیده	نسیب	خوبشاوند
مضموم	ضمه دار	نصیب	بهره
مستأجل	مهلت خواهنده	نغز	دلکش
مستعجل	شتابان	نقض	شکستن
مرئی	آشکار	نواحی	مناطق
مرعی	رعایت کرده شده	نواهی	نهی شده‌ها
مرزی	منسوب به مرز		
مرضی	مورد رضایت		

مثال در همه ابیات واژه‌ای یافت می‌شود که «هم‌آوا» دارد؛ به جز

- (۱) خلقی از دود تعین به جنون گشت علم
 (۲) ز خودداری ندانستیم قدر عیش آزادی
 (۳) عمری است که چون آینه در بزم خیالت
 (۴) اسیر چاه زنخدان توسست یوسف دل

پاسخ هم‌آواها: گزینۀ (۱): عَلم: پرچم - آلم: درد و رنج

گزینۀ (۲): قدر: ارزش - غدر: حيله و مکر

گزینۀ (۴): اسیر: گرفتار - عصیر: عصاره - اثیر: کره آتش

مثال در همهٔ ابیات واژه‌ای یافت می‌شود که «هم آوا» دارد؛ به جز

- (۱) رسم امارت از همه عالم بر اوفتاد / تاج سعادت از سر گردون در اوفتاد
 (۲) صبر کن ای شیشه بر سنگ جفای محتسب / گردن این دشمن عشرت، خدا خواهد شکست
 (۳) بیدار باد بخت جوانت که چرخ پیر / در مکتب رضای تو طفل تعلّم است
 (۴) آن غذا در بدن چو یابد نظم / خون شود در تن از حرارت هضم
- پاسخ** گزینهٔ (۱): امارت: امیری - عمارت: آبادانی / گزینهٔ (۲): تعلّم: آموختن - تالم: دردمندی / گزینهٔ (۴): هضم: تجزیه و تحلیل غذا - حزم: دوراندیشی

آخرین درس: جمله شماری

نکته‌های جمله شماری

- ۱** هر فعلی نشانهٔ یک جمله است، مثال:
 گفته بودم / چو بیایی / غم دل با تو بگویم / چه بگویم / که غم از دل برود / چون تو بیایی (۶ جمله)
- ۲** افعال حذف شده را نیز می‌شماریم، مثال:
 هر کاو نکند فهمی زین کلکِ خیال‌انگیز / نقشش به حرام [باشد] / ار خود صورتگر چین باشد (۳ جمله)
 به جان او [قسم می‌خورم] / که به شکرانه جان برافشانم / اگر به سوی من آری پیامی از بر دوست (۳ جمله)
- ۳** «منادا» شبه جمله است و جزء جمله شمرده می‌شود، مثال:
 علی / ای همای رحمت / تو چه آیتی خدا را / که به ماسوا فکندی همه سایهٔ هما را (۴ جمله)
- ۴** «صوت» هم شبه جمله است و جزء جمله شمرده می‌شود، مثال:
 هان / ای دلِ عبرت‌بین / از دیده عبر کن / هان / ایوان مداین را آیینۀ عبرت دان (۵ جمله)
- ۵** گاهی «ای» بدون منادا می‌آید، مثال:
 ما در پیاله عکس رخ یار دیده‌ایم / ای [کسی که] / بی‌خبر [هستی] / ز لذت شرب مدام ما (۳ جمله)
- ۶** گاهی «ای» به معنی دانی، آهان، صوت است، مثال:
 ای، / من آن رویا صحرای هستم / کز کمین سر بریدندم برای پوستین (۳ جمله)

مثال تعداد جمله‌های کدام گزینه، با بقیه متفاوت است؟

- (۱) باده‌نوشی که در او روی و ریایی نبود / بهتر از زهدفروشی که در او روی و ریاست
 (۲) در خم زلف تو آن خال سیه دانی چیست؟ / نقطهٔ دوده که در حلقهٔ جیم افتاده‌ست
 (۳) به‌جانت‌ای بت شیرین‌دهن که همچون شمع / شبان تیره مرادم فنای خویشتن است
 (۴) فقیه مدرسه دی مست بود و فتوی داد / که می‌حرام ولی به ز مال اوقاف است
- پاسخ** تعداد جمله‌های ابیات: گزینهٔ (۱): باده‌نوشی که در او روی و ریایی نبود / بهتر [است] / از زهدفروشی که در او روی و ریاست (۳ جمله)
- گزینهٔ (۲): در خم زلف تو آن خال سیه دانی / چیست / نقطهٔ دوده [است] / که در حلقهٔ جیم افتاده‌ست (۴ جمله)
- گزینهٔ (۳): به جانت [سوگند می‌خورم] / ای بت شیرین‌دهن / که همچون شمع شبان تیره مرادم فنای خویشتن است (۳ جمله)
- گزینهٔ (۴): فقیه مدرسه دی مست بود / و فتوی داد / که می‌حرام [است] / ولی ز مال اوقاف به است (۴ جمله)

پرسش‌های موضوعی زبان فارسی

ساختمان واژه

۳۳۱- در عبارات «بسیار نویسندگان نکته‌سنج و ژرف‌نگر در سفر، به ثبت دیده‌ها و شنیده‌های خود در مورد مسائل گوناگون فرهنگی و اخلاقی و ... پرداخته و از این رهگذر سفرنامه‌ارزشمند به یادگار گذاشته‌اند.» به ترتیب چند واژه «وندی»، «مرگب» و «وندی - مرگب» یافت می‌شود؟ (انسانی+۸۸)

۱) شش - سه - دو (۲) شش - چهار - یک (۳) هفت - سه - دو (۴) هفت - چهار - یک

۳۳۲- در کدام ابیات واژه «مرگب» وجود دارد؟ (زبان+۹۳)

الف) هر که از تقدیر دارد ساز و برگ	لرزد از نیروی او ابلیس و مرگ
ب) جبر، دین مرد صاحب‌همت است	جبر مردان از کمال قوت است
ج) ای که گویی بودنی این بود شد	کارها پایند آیین بود، شد
د) من ندارم طاقت آن تاب آن	کان فزون آمد ز کوشش‌های جان
ه) کم‌نگاهان فتنه‌ها انگیختند	بنده حق را به دار آویختند

۱) الف - ب (۲) د - ه (۳) ب - ج (۴) ج - د

۳۳۳- در کدام بیت همه واژه‌های «وندی، مرگب و وندی - مرگب» دیده می‌شود؟

۱) به یکبار بر دوستان زر می‌پاش	وز آسیب دشمن به اندیشه باش
۲) تهی‌دست در خوب‌رویان می‌پیچ	که بی‌سیم مردم نبرزند هیچ
۳) پراکنده‌دل گشت از آن عیب‌جوی	برآشفتم و گفتم ای پراکنده‌گوی
۴) که سفله خداوند هستی مباد	جوانمرد را تنگدستی مباد

۳۳۴- در کدام بیت تمام واژه‌های «وندی، مرگب و وندی - مرگب» وجود دارد؟

۱) صبح قیامتش بود پرده خواب در نظر	هر که به خواب بیند آن نرگس فتنه‌زای را
۲) سوخت بساط هستی‌ام، ریخت بنای طاقتم	چند پر از نفس دهم، آه شکسته‌پای را
۳) روح شکسته‌بال را تا پر و بال می‌شود	رخنه ملک دل مکن خنده دلگشای را
۴) صائب آتشین‌زبان چون سر حرف وا کند	نغمه به لب گره شود بلب‌بل خوش‌نوی را

۳۳۵- در عبارت «دستیابی به دانشی در زمینه زبان و نقش‌های گوناگون آن جز از راه درس و کلاس و بهره‌یابی از معلم و استمرار در فراگیری، امکان‌پذیر نیست.» به ترتیب چند واژه «وندی»، «مرگب» و «وندی - مرگب» وجود دارد؟ (ریاضی+۸۸)

۱) دو - سه (۲) سه - یک - سه (۳) سه - دو - سه (۴) چهار - یک - سه

نوع و ساخت دستوری

۳۳۶- نوع کلمات کدام مجموعه با مجموعه‌های دیگر متفاوت است؟ (ریاضی+۸۵)

۱) گرفتار - برخوردار - مُردار - خریدار	۲) کشتار - رفتار - نوشتار - ساختار
۳) کردار - دستار - جُستار - سپیدار	۴) دیدار - شنیدار - گفتار - پندار

۳۳۷- در کدام گزینه، همه واژه‌ها، به ترتیب از «اسم + وند + اسم» ساخته شده‌اند؟ (زبان+۸۴)

۱) برابر - کاروبار - ترش‌رویی	۲) دوچرخه - سه‌پایه - گیرودار
۳) تودرتو - ده‌مرده - فرشته‌خویی	۴) روباروی - بناگوش - سرتاسر

۳۳۸- ساختمان کدام گروه از واژه‌ها، همگی یکسان است؟

- (۱) ناخلف - نامنظم - ناگذر - ناتوان
 (۲) شیعہ گری - وحشی گری - رویگری - منشی گری
 (۳) سالانه - بچگانه - جانانه - شبانه
 (۴) آلودگی - خانگی - همیشگی - پیوستگی
- ۳۳۹- در همهٔ گزینه‌ها، به جز گزینه از بن مضارع همهٔ مصدرها با افزودن پسوند «ا» می‌توان «صفت» ساخت.

- (۱) ماندن - گفتن - پذیرفتن - کوشیدن
 (۲) دانستن - رفتن - جستن - دیدن
 (۳) رسیدن - گرفتن - شنیدن - خواندن
 (۴) خندیدن - ساختن - آموختن - گریستن
- ۳۴۰- اجزای ساختمان کدام واژه‌ها به ترتیب، معادل «دهش - نامنظم - زیرنویس - آبرفت» است؟ (ریاضی ۹۴)
- (۱) روش - ناشکر - زیربنا - خداپسند
 (۲) نگارش - ناتمام - دورنما - دست‌فروشد
 (۳) کنش - نادر - پیش‌پرده - دست‌پخت
 (۴) آرامش - نادرست - دست‌بوس - سرنوشت

فعل (زمان، ساختمان، معلوم و مجهول، حذف و معنا)

۳۴۱- در عبارات زیر، «زمان افعال» به ترتیب کدام است؟

«دلّاک جوان ایل، پیام فرستاده بود که باید بی‌نیازم کنی. بیچاره خبر نداشت که بانک، فقط هزینهٔ هفته‌ای از ماهم را می‌داد.»

- (۱) ماضی ساده - مضارع مستمر - ماضی مستمر - ماضی استمراری
 (۲) ماضی بعید - مضارع التزامی - ماضی مستمر - مضارع اخباری
 (۳) ماضی نقلی - مضارع اخباری - ماضی ساده - ماضی استمراری
 (۴) ماضی بعید - مضارع التزامی - ماضی ساده - ماضی استمراری

۳۴۲- چند فعل از افعال پیشوندی زیر، با فعل سادهٔ نوع خود تفاوت معنایی دارد؟ (تجربی ۹۵)

«در آوردن - برافتادن - برانگیختن - بر آمدن - واداشتن - برگماشتن - برخوردن - درگذشتن - برافراشتن - فراگرفتن»

- (۱) پنج (۲) شش (۳) هفت (۴) هشت

۳۴۳- در کدام بیت «فعل مجهول» وجود دارد؟

- (۱) آتش از گرمی عاشق مرده شد
 (۲) خاک را زنده کند تربیت باد بهار
 (۳) گفتهٔ ما مرده‌ای گر بشنود زنده شود
 (۴) چونان خورده شد هر یکی را سه جام

۳۴۴- در کدام بیت، «حذف فعل به قرینهٔ لفظی» صورت گرفته است؟ (زبان ۹۶)

- (۱) کجا دست گیرد دعای ویت
 (۲) یکی را که سعی قدم پیش‌تر
 (۳) یفرمود گنجینهٔ گوهرش
 (۴) دعای منت کی بود سودمند
- دعای ستمدیدگان در پیت؟
 به درگاه حق منزلت بیشتر
 فشانند در پای و زر بر سرش
 اسیران محتاج در چاه و بند؟

۳۴۵- معنای «ردیف» در کدام بیت با سایر ابیات تفاوت دارد؟ (انسانی ۹۵)

- (۱) تنها نه من به دانهٔ خالت مقیدم
 (۲) نامم به عاشقی شد و گویند توبه کن
 (۳) آن مدعی که دست نادادی به بند کس
 (۴) شرح غمت به وصف نخواهد شدن تمام
- این دانه هر که دید گرفتار دام شد
 توبه کنون چه فایده دارد که نام شد
 این بار در کمند تو افتاد و رام شد
 جهدم به آخر آمد و دفتر تمام شد

الگوهای جمله ناگذر و گذرا

۳۴۶- اجزای اصلی جمله زیر، کدام است؟

«بی سوادى، عادت نداشتن به خواندن و سود بردن از افکار و اندیشه‌های اندیشمندان و متفکران، نداشتن نویسنده و ناشر و بسیاری از ناآگاهی‌ها، عوامل اصلی فقر و قحطی کتاب در بیشتر سرزمین‌های جهان به شمار می‌رود.»
(ریاضی ۸۸+)

- (۱) نهاد + متمم + فعل
(۲) نهاد + مسند + فعل
(۳) نهاد + متمم + مسند + فعل
(۴) نهاد + مفعول + مسند + فعل

۳۴۷- الگوی دستوری عبارت «حیرت در امر جهان و ندانستن راز او، چون و چرا در کار خلقت، ناپایداری و بی سروپا بودن جهان و ... مضامین اصلی اشعار خیامی خوانده می‌شود.» کدام است؟ (خارج از کشور ۸۹+)

- (۱) نهاد + متمم + فعل
(۲) نهاد + مسند + فعل
(۳) نهاد + متمم + مسند + فعل
(۴) نهاد + مفعول + مسند + فعل

۳۴۸- الگوی تشکیل دهنده کدام عبارت، در مقابل آن، نادرست است؟ (هنر ۹۱+)

- (۱) او در عصر ما در کسوت یک مهاتما گاندی مسلمان، منادی یک حیات تازه برای تمام عالم می‌شد. (نهاد + مسند + فعل)
(۲) این فقر اختیاری را بر مکتب و تجلّ رایج در دستگاه صدرالدین، شیخ‌الاسلام شهر ترجیح می‌داد. (نهاد + مفعول + مسند + فعل)
(۳) درگیری دایم در تنازع برای بقا را، در سلوک راه کمال، انحراف از خط سیر روحانی و امری خلاف شأن انسانی تلقی می‌کرد. (نهاد + مفعول + مسند + فعل)
(۴) در دنیای ما، پرخوری و تجلّ گرایى کم‌ترینۀ مردم برای بیشترینۀ آن‌ها جز گرسنگی و بینوایی راه دیگر باقی نمی‌گذارد. (نهاد + مفعول + فعل)

۳۴۹- با توجه به عبارات زیر، الگوی جمله چهارم کدام است؟ (هنر ۹۵+)

- «قلم را برمی‌دارد و یک صفحه دراز می‌نویسد و به دستمان می‌دهد. می‌گیریم و می‌بوسیم و اجازه مرخصی می‌خواهیم.»
(۱) نهاد + متمم + فعل
(۲) نهاد + مفعول + مسند + فعل
(۳) نهاد + مفعول + فعل
(۴) نهاد + مفعول + متمم + فعل

۳۵۰- در همه ابیات به استثنای بیت هم فعل «گذرا» و هم فعل «ناگذر» وجود دارد. (ریاضی ۹۰+)

- (۱) بار بیفکند شتر، چون برسد به منزلی
(۲) ای که مهار می‌کشی صبر کن و سبک مرو
(۳) بار فراق دوستان، بس که نشست بر دلم
(۴) آخر قصد من تویی، غایت جهد و آرزو
بار دل است هم‌چنان، و ر به هزار منزل
کز طرفی تو می‌کشی، وز طرفی سلاسلم
می‌روم و نمی‌رود ناقه به زیر محلم
تا نرسم، ز دامت، دست امید نگسلم

نقش‌های دستوری

۳۵۱- نقش دستوری «موصوف‌ها» در بیت زیر، به ترتیب کدام است؟

- «بشنو این نکته که خود را ز غم آزاده کنی خون خوری گر طلب روزی ننهاده کنی»
(۱) مفعول - نهاد (۲) نهاد - مضاف‌الیه
(۳) نهاد - مفعول (۴) مفعول - مفعول

۳۵۲- نقش کلمات مشخص شده به ترتیب کدام است؟

«صبا کجاست، که این جان خون گرفته جو گل فدای نکهت گیسوی یار خواهیم کرد»

- (۱) قید - صفت - مضاف‌الیه - مسند - مضاف‌الیه
(۲) قید - مفعول - نهاد - مفعول - مفعول
(۳) مسند - مفعول - متمم - نهاد - مفعول
(۴) مسند - صفت - متمم - مسند - مضاف‌الیه

۳۵۳- نقش اصلی یا تبعی واژه‌های مشخص شده، در متن زیر به ترتیب کدام است؟ (زبان ۹۲)

«مرد کت چرمی قلچماقی که ریخت شوferها را داشت، جواب داد: چه طور صاحب نداره؟ مگر بی صاحب هم می‌شه؟ پوستش خودش، دست کم پانزده تومن می‌ارزه.»

- (۱) مضاف‌الیه - مفعول - مفعول - بدل - ضمیر
(۲) وصفی - نهاد - مسند - نهاد - ضمیر
(۳) مضاف‌الیه - مفعول - مفعول - نهاد - قید
(۴) وصفی - مفعول - مفعول - بدل - قید

۳۵۴- نقش‌های اصلی و تبعی واژه‌های مشخص شده در بیت زیر به ترتیب کدام است؟ (ریاضی ۹۴)

«چرا غم دگران می‌کند پریشانم اگر نه رشته جان‌ها به یکدیگر بسته است؟»

- (۱) نهاد - قید - مفعول - مفعول
(۲) نهاد - مسند - مفعول - نهاد
(۳) مضاف‌الیه - مسند - نهاد - مفعول
(۴) مفعول - قید - مفعول - نهاد

۳۵۵- نقش دستوری موصوف‌ها در مصراع دوم، به ترتیب کدام است؟ (زبان ۹۵)

«متاب از روزن ای ماه دل‌افروزم، چه اصراری که شمع کشته‌ام بینی و زندان غم‌افزا را!»

- (۱) مسند - مفعول - مفعول - مسند
(۲) مفعول - مفعول - مسند
(۳) مضاف‌الیه - مفعول - مسند
(۴) مسند - مضاف‌الیه

نقش‌های تبعی

۳۵۶- در کدام عبارت نقش «تبعی» وجود ندارد؟ (خارج از کشور ۸۹)

- (۱) هرگز خداوند، جهان را و طبیعت را با پاییز و زمستان یا تابستان آغاز نکرده است.
(۲) سخن تازه از نوروز گفتن دشوار است. نوروز یک جشن ملی است که هر ساله برپا می‌شود.
(۳) نوروز، داستان زیبایی است که در آن، طبیعت، احساس و جامعه، هر سه، دست اندر کارند.
(۴) نوروز، روز نخستین آفرینش، که اهورامزدا دست به خلقت جهان زد و شش روز در این کار بود.

۳۵۷- کدام بیت فاقد نقش «تبعی» است؟

- (۱) تو خود وصال دگر بودی ای نسیم وصال
خطا نگر که دل امید در وفای تو بست
(۲) از چشم خود پیرس که ما را که می‌کشد
جانا گناه طالع و جرم ستاره نیست
(۳) در اندیشه بیستم، قلم وهم شکستم
که تو زیباتر از آبی که کنم وصف و بیان
(۴) از سر کشته خود می‌گذری همچون باد
چه توان کرد که عمر است و شتابی دارد

۳۵۸- در همه گزینه‌ها به جز گزینه دو نوع نقش «تبعی» وجود دارد.

- (۱) آسمان، کشور سبز آرزوها، معیادگاه انسان‌های خوب، پس از آن که از این زندان خاکی و رنج با دست‌های مهربان مرگ نجات یابند.
(۲) تنها پرندۀ نامرئی کویر، خیال، رها و آزاد همه جا در کویر جولان دارد. سایه پروازش تنها سایه کویر است.
(۳) مشت بی‌تاب قلم را در آسمان کویر این نخلستان خاموش و پرمهتابی می‌گنجانم.
(۴) فرشتگان پرده‌داران حرم ستر عفاف ملکوت با این شهاب‌های آتشین دیوان را می‌زنند و به سوی کویر می‌رانند.

۳۵۹- در کدام بیت، نقش «تبعی» وجود ندارد؟

(تجربی ۹۴)

- ۱) دل اگر بار کشد بار نگاری باری
 - ۲) جمال عارض خورشید و حسن قامت سرو
 - ۳) بدین روش که تو طاووس می کنی رفتار
 - ۴) بدین صفت که تویی دل چه جای خدمت توست
- ۳۶۰- در کدام بیت نقش «تبعی» یافت می شود؟

(خارج از کشور ۹۵)

- ۱) حال چوگان، چون نمی دانی که چیست
- ۲) تو خود وصال دگر بودی ای نسیم وصال
- ۳) حریف، عهد مودت شکست و من نشکستم
- ۴) با پری رویان، به خلوت روی در روی آوری

نقش ضمائر متصل

۳۶۱- نقش «ضمیر متصل» در کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱) شاید که به آبی فلکت دست نگیرد
- ۲) آب حیوانش ز منقار بلاغت می چکد
- ۳) دل دادمش به مژده و خجالت همی برم
- ۴) فریاد که از شش جهتم راه بیستند

۳۶۲- نقش ضمائر متصل مشخص شده «م» در کدام دو بیت یکسان است؟

- | | |
|---|-------------------------------------|
| الف) سرم به دنیی و عقبی فرو نمی آید | ب) چنین که صومعه آوده شد ز خون دلم |
| ج) چه ساز بود که در پرده می زد آن مطرب؟ | د) از آن به دیر مغانم عزیز می دارند |
| ۱) الف - ب - د | ۲) ب - د - ج |
| ۳) ب - ج - د | ۴) الف - د - ج |

۳۶۳- نقش کدام «ضمیر متصل» به قافیه، متفاوت است؟

- | | |
|-------------------------------------|-----------------------------------|
| ۱) ساقی، ز بی عشق روان است روانم | ۲) لیکن ز ملولی تو کند است زبانم |
| ۳) می پرّم چون تیر سویی عشرت و نوشت | ۴) ای دوست بَمشکن به جفاهات کمانم |
| ۵) هین، آن لب ساغر بنه اندر لب خشکم | ۶) و آن گه بشنو سحر مُحقق ز دهانم |
| ۷) معذور همی دار اگر شور ز حد شد | ۸) چون می نهد عشق یکی لحظه امانم |

۳۶۴- نقش «ضمیر متصل» در کدام دو مصرع متفاوت نیست؟

- | | |
|---|--|
| الف) که دل سنگ بسوزد چو شود واقف دردم | ب) مکن ای جان، همه ساله، تو به فردام حواله |
| ج) بده امشب هم از آنم، نخورم عشوه من امشب | د) چو روی مست و پیاده قدمت را همه فرشم |
| ۱) الف - ب - د | ۲) ب - ج - د |
| ۳) ج - د - الف | ۴) د - الف - ج |

۳۶۵- نقش ضمیر «ش» در پایان واژه‌های قافیه در کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱) آن سفر کرده که صد قافله دل همره اوست
- ۲) بلبل از فیض گل آموخت سخن ورنه نبود
- ۳) صوفی سرخوش ازین دست که کج کرد کلاه
- ۴) دل حافظ که به دیدار تو خوگر شده بود

جمله‌وتقدیم اجزای جمله (شیوهٔ بلاغی)

۳۶۶- همهٔ گزینه‌ها فاقد جملهٔ «وابسته‌اند» مگر بیت

- ۱) نیست بی‌اسرار وحدت می‌پرستی‌های ما
- ۲) کلاه‌گوشهٔ اقبال ماست بی‌کلهی
- ۳) به هوای دهننت نقد روان باید باخت
- ۴) هر چند بی‌صداست چو آینه آب عمر

(خارج از کشور +۹۴)

۳۶۷- کدام بیت، فاقد جملهٔ «وابسته» است؟

- ۱) لطف و عطا و احسان پیوسته از تو آید
- ۲) از تنگی دهانت یک ذره گفته باشد
- ۳) جای دل است کویت ز آن جامران به جورش
- ۴) تا شاهد جمالت مستور باشد از من

۳۶۸- همهٔ ابیات به استثنای بیت فاقد جملهٔ «وابسته‌اند».

- ۱) هر کسی کاو دور ماند از اصل خویش
- ۲) هر کسی از ظنّ خود شد یار من
- ۳) همچو نی زهری و تریاکی که دید؟
- ۴) نی حریف هر که از یاری برید

(ریاضی +۹۰)

۳۶۹- در کدام بیت شیوهٔ بلاغی به کار رفته است؟

- ۱) از آرزوی رویت، بر آستان کویت
- ۲) با یاد تو زهر بر شکر خندد
- ۳) در میان دل و دین حاصل عشاق تو چیست؟
- ۴) ز من پرسى که دل داری چه گویم؟

۳۷۰- در مصراع اول کدام بیت شیوهٔ بلاغی به کار نرفته است؟

- ۱) نصیحتی کنمت، بشنو و بهانه مگیر
- ۲) ز وصل روی جوانان تمتعی بردار
- ۳) کوکب بخت مرا هیچ منجم نشناخت
- ۴) دل ریمیدهٔ ما را که پیش می‌گیرد؟

- هر آن‌چه ناصح مشفق بگویدت بپذیر
- که در کمین‌گه عمر است مکر عالم پیر
- یارب از مادر گیتی به چه طالع زادم؟
- خبر دهید به مجنون خسته از زنجیر

(ریاضی ۸۹)

۳۷۸- در کدام جمله، وابستهٔ پیشین اسم، «شاخص» نامیده می‌شود؟

- ۱) استاد ما، اسامی همهٔ دانشجویان را می‌دانست.
- ۲) عموی احمد، خانهٔ خود را به استاد دانشگاه فروخت.
- ۳) کدخدای ده، برای ادای توضیحات به پاسگاه رفت.
- ۴) ستوان محمّدی، فرماندهی عملیات را به عهده گرفت.

(هنر ۹۰+)

۳۷۹- در متن زیر چند «وابستهٔ پسین» وجود دارد؟

«با بازنویسی می‌توانیم متون ادبی گذشته را به زبان امروزی درآوریم و عناصر کهنهٔ آن‌ها را تغییر دهیم و واژه‌های مهجور آن‌ها را، به تعابیر آشنا تبدیل کنیم و از این راه، مفاهیم دقیق آن‌ها را به نسل امروز منتقل سازیم.»

- ۱) نه
- ۲) ده
- ۳) یازده
- ۴) دوازده

۳۸۰- در عبارت «شاعر با قواعد عروض و قافیه و در چارچوب سنت‌ها و روش‌ها، در فرهنگ ایرانی دو

ساخت تازه را بر ساخت‌های آوایی فارسی افزوده و از این رهگذر، اثری ادبی آفریده است که

می‌توان بر آن سخن منظوم نام نهاد.» چند «وابستهٔ پسین» وجود دارد؟

(زبان ۹۰+)

- ۱) هشت
- ۲) نه
- ۳) ده
- ۴) یازده

وابستهٔ وابسته

(خارج از کشور ۹۵)

۳۸۱- وابستهٔ وابسته در کدام مصراع، «مضاف‌الیه مضاف‌الیه» نیست؟

- ۱) باید که نشان در میخانه بررسی
- ۲) اسرار دل سوخته پیدا نتوان کرد
- ۳) پیش تو حدیث شب یلدا نتوان کرد
- ۴) بی می، طلب آب رخ از ما نتوان کرد

۳۸۲- در گروه‌های اسمی زیر، چند «صفت مضاف‌الیه» وجود دارد؟

«اشعار تعلیمی وی - اولین وزیر محمود - وزیر هوشمند و خردمند - رفتار صادقانهٔ یک نویسنده - بررسی همین ابیات - توسعهٔ روزافزون اقتصاد - کیف قهوه‌ای سوخته - جلسات دائمی مدرسه - پیشرفت امور فرهنگی - توجهٔ خاص شاعران»

- ۱) سه
- ۲) چهار
- ۳) پنج
- ۴) شش

۳۸۳- در عبارت «بعد از دو ساعت انتظار، گفتند: میدان آماده است. نزدیک خانهٔ کدخدا، زمین بزرگی بود.

سید رضا، پهلوان ده که به میزان تسلط خود بر حریف آگاه بود، بعد از مترکردن زمین با گام‌هایش،

به مبارزه شتافت.» به ترتیب، «بدل - متمم اسم - شاخص و ممیز» کدام است؟

(زبان ۹۴)

- ۱) زمین بزرگی - گام‌هایش - سید - متر
- ۲) پهلوان ده - مبارزه - کدخدا - ساعت
- ۳) زمین - میزان - کدخدا - مترکردن
- ۴) پهلوان ده - حریف - سید - ساعت

۳۸۴- در قطعه شعر «و خدایی که در این نزدیکی است / لای این شب‌بوها، پای آن کاج بلند / من مسلمانم /

قبله‌ام یک گل سرخ ... / من وضو با تپش پنجره‌ها می‌گیرم / سنگ از پشت نمازم پیداست.» چند

«وابستهٔ وابسته» وجود دارد؟

- ۱) سه
- ۲) چهار
- ۳) پنج
- ۴) شش

۳۸۵- در متن زیر چند «صفت مضاف‌الیه» وجود دارد؟

«این روایت‌ها از زبان انسان‌هایی ناشناس نقل شده است. شاید بتوان گفت گونه‌های شعر عامیانه

بازتاب ذهن جمعی افراد یک جامعه است که برای ارائهٔ دستور شیوهٔ زندگی و شناساندن ارزش‌های

اجتماعی به اعضای جامعهٔ بشری پدید می‌آیند.»

- ۱) چهار
- ۲) پنج
- ۳) شش
- ۴) هفت

ترکیب وصفی و اضافی

۳۸۶- در متن زیر چند «ترکیب وصفی» وجود دارد؟

(خارج از کشور ۹۰)

«این شاعر، برجسته‌ترین چهره ادبی قرن نوزدهم فرانسه است. برخی داستان‌های وی به زبان فارسی ترجمه شده است. تا سال‌های آخر عمر مورد احترام و ستایش عام بود.»

(۱) پنج (۲) هفت (۳) شش (۴) هشت

۳۸۷- در منظومه «مردم شهر به یک چنین چنان می‌نگرند / که به یک شعله، به یک خواب لطیف / خاک، موسیقی احساس تو را می‌شنود / و صدای پر مرغان اساطیر می‌آید در باد» به ترتیب، چند «ترکیب وصفی» و «اضافی» یافت می‌شود؟

(تجربی ۹۲)

(۱) سه - پنج (۲) سه - شش (۳) چهار - پنج (۴) چهار - شش

۳۸۸- در عبارت «از همان اوایل قرن دوم هجری، عده‌ای معدود از مردان هنرور و نگارگر به خلق آثار تمثیلی و حماسی و مضامین مربوط به شرح دلآوری و فداکاری شهدای کربلا به شکل ابتدایی آن پرداختند و به دنبال این حرکت واژه‌های شبیه‌خوانی و تعزیه و غننامه‌های مذهبی در ادب فارسی راه یافت» چند «صفت» وجود دارد؟

(زبان ۹۱)

(۱) یازده (۲) دوازده (۳) سیزده (۴) چهارده

۳۸۹- در عبارت «نویسنده با استفاده از داستان رستم و اسفندیار و گنجاندن اصطلاحات امروزی در آن، نوشته را از حالت شناخته‌شده آن خارج کرده است. این بیان غیرمعارف و خنده‌دار و هر نوشته‌ای از این گروه، نوعی نقد اجتماعی محسوب می‌شود و تأثیر آن در همان زمان به نحوی بارز نمودار خواهد شد.» به ترتیب چند «صفت پیشین» و «پسین» وجود دارد؟

(هنر ۸۵)

(۱) چهار - شش (۲) سه - هفت (۳) چهار - پنج (۴) سه - شش

۳۹۰- تعداد ترکیب وصفی در کدام بیت بیشتر است؟

(هنر ۹۴)

(۱) چشم بد دور از آن سلسله زلف دراز که ز هر حلقه او عالم دیگر پیداست
 (۲) گرچه ز آیینة روشن نمایم جوهر خط نازسته از آن چهره انور پیداست
 (۳) آه گرمی که گره در دل پر خون من است همچو داغ از جگر لاله احمر پیداست
 (۴) پرده معنی روشن نشود صائب لفظ عالم آشوبی از آن زلف معنبر پیداست

الگوهای گروه اسمی و رابطه معنایی

۳۹۱- کدام گزینه، بر اساس الگوی «صفت + صفت + اسم + نقش‌نمای + صفت + نقش‌نمای + اسم + اسم + نقش‌نمای + صفت» ساخته شده است؟

(انسانی ۸۲)

(۱) آن رزمنده وارسته ایران اسلامی
 (۲) همان چهار دانشجوی موقف مسابقات کشوری
 (۳) آن دو مرد دانشمند درستکار ایرانی
 (۴) همان پهلوان نامی شاهنامه فردوسی

۳۹۲- کدام گروه کلمه بر اساس الگوی «صفت + اسم + صفت + اسم + اسم + صفت + اسم + اسم + صفت + اسم» ساخته شده است؟

(هنر ۸۷)

(۱) نخستین گوهر وجودی انسان در پیشگاه حضرت حق
 (۲) سه تخته فرش ارزشمند هزارنقش ابریشمی قدیمی
 (۳) بهترین گردهمایی دو مرکز آموزش درمانی استان تهران
 (۴) پنج اصله درخت کهنسال خانه پدری واقع در تجریش

۳۹۳- کدام گزینه براساس الگوی «صفت + اسم + نقش‌نمای - + اسم + نقش‌نمای - + صفت» ساخته شده است؟

- (۱) کدام پهلوان مبارز ایران‌زمین
 (۲) پنج روز به‌جاماندهٔ عمر انسان بی‌خبر (انسانی ۹۴)
 (۳) بعضی سروده‌های شاعران گذشته
 (۴) همان جنگجوی دلاور عرصهٔ جنگ جهانی
- ۳۹۴- همهٔ واژه‌های گزینۀ دوبه‌دو به لحاظ رابطهٔ معنایی در یک حوزه قرار می‌گیرند.

- (۱) مدح و ستایش - لاغر و سمین - ابهام و سرگستگی - دولت و رئیس‌الوزرا
 (۲) سفر و حضر - حلاوت و شیرینی - مرگ و حیات - پوشش و مقنعه
 (۳) محاوره و گفت‌وگو - اطناب و زیاده‌گویی - نغز و دلکش - رسایل و جزوات
 (۴) اسب و کَهر - سوء ظنّ و حسن ظنّ - مضایق و تنگناها - لباس و دزّاعه

۳۹۵- در کدام عبارت، واژه‌ای وجود دارد که با از دست دادن معنای پیشین و پذیرفتن معنای جدید، به

این دوره منتقل شده است؟

- (۱) در دل سنگ کثیف، جواهر معادن و فلزات بیافریند.
 (۲) فیل در زیر برگستوان، مانند حصار پولادین پوییدن گرفت.
 (۳) اگر خواهی که جان از تو دریغ ندارند، تو نان از ایشان دریغ مدار.
 (۴) بهرام تیری به میان دو چشمش اندر زد چنان که تا سوفار در سر فیل شد.

نمودار پیکانی

۳۹۶- نمودار کدام گزینه شبیه گروه اسمی «آسمان این روستا» است؟

- (۱) فزونی نیروی رستم
 (۲) ساختن آیندهٔ بهتر
 (۳) بهترین فصل زندگی
 (۴) صحبت خیلی عامیانه

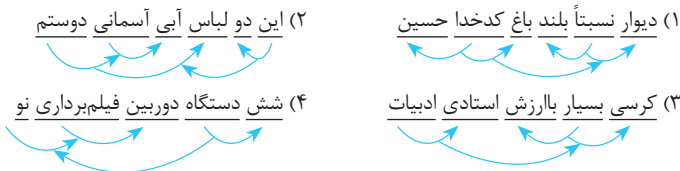
۳۹۷- نمودار کدام گروه اسمی، با گروه‌های دیگر، متفاوت است؟

- (۱) یک تن گندم خوب
 (۲) دو کشور قدرتمند جهان
 (۳) چهار متر پارچهٔ سفید
 (۴) سه اصله درخت سیب

۳۹۸- نمودار پیکانی کدام گزینه، با بقیه متفاوت است؟

- (۱) همین آسمان کشور ما
 (۲) چند دیوار سفید شیری
 (۳) همین شهر باستانی ایران
 (۴) همان خانهٔ پدر پیر

۳۹۹- نمودار همهٔ گزینه‌ها به‌جز گزینهٔ درست است.



۴۰۰- نمودار «وابسته‌های وابسته» در کدام دو بیت متفاوت است؟

- (الف) جنگ هفتاد و دو ملت همه را عذر بنه
 (ب) نیست بر لوح دلم جز الف قامت دوست
 (ج) در خلوص منت ار هست شکی تجربه کن
 (د) آن سفر کرده که صد قافله دل همزه اوست
- (۱) الف - ب (۲) ب - ج (۳) ج - د (۴) الف - د

املاي هم آوا

۴۰۱- در همة ابیات واژه‌ای یافت می‌شود که «هم آوا» دارد؛ به جز

- | | |
|--|--|
| ۱) ما برون از شش جهت داریم عالی گلشنی | گر نباشد گلخنی بر رهگذاری گو مباش |
| ۲) کسی کاندر جهان بی هیچ استکمال از غیري | جهانی کامل آمد خود به استقلال و تنهایی |
| ۳) خاندان دهر مفلس بود از نقد مراد | دست‌ها بر هم زدی دریا و کان آمد پدید |
| ۴) آسمان دارد ز من سرمایه تعمیر درد | بشکند رنگم به هر جا، ناله‌ای بر پا کند |

۴۰۲- تعداد واژه‌های «هم آوا» در همة گزینه‌ها با هم برابر است؛ به جز

- | | |
|---|--------------------------------------|
| ۱) کلبه مجنون چو صحرا از عمارت فارغ است | بام و در حاجت نباشد خانه زنجیر را |
| ۲) روز و شب از سورت گرما به سان قوم نوح | هر دم از سیل عرق بر گرد من طوفان بود |
| ۳) کلک مشکین سنا از بهر تاریخش نوشت | گلشن علم و ادب بفسرد با مرگ بهار |
| ۴) آن باغ و بهارش بین، وان خمرو خمارش بین | وان هضم و گوارش بین، چون گل شکر آمد |

۴۰۳- تعداد واژه‌هایی که «هم آوا» دارند، در ابیات زیر، چند مورد است؟

- | | |
|--|--|
| چه باک ار با توش گردون اسیر و مبتلا سازد | چه بیم ار با توش گیهان غریب و ممتحن دارد |
| چنان ز عدل تو معمور گشت روی زمین | که جغد برد به خاک آرزوی ویرانی |
| غازی ز پی شهادت اندر تک و پوست | غافل که شهید عشق فاضل تر از اوست |
| صفیر مرغ سحر تازبانة شوق است | ز بند خویش به این تازیانه بیرون آی |
| ۱) چهار | ۲) پنج |
| ۳) شش | ۴) هفت |

۴۰۴- در همة ابیات واژه‌ای یافت می‌شود که «هم آوا» دارد؛ به جز

- | | |
|---|-----------------------------------|
| ۱) از غبار تن بیفشان دامن جان پیش از آن | کز وجودت باد استغنا برانگیزد غبار |
| ۲) مگرت وقت رفتن است چنانک | پیش ازین گفتت آن بشیر نذیر |
| ۳) باش شب‌ها بر من تا به سحر تا که شی | مه برآید برهی از ره و همراه غوی |
| ۴) عشق دارد صید گاهی نغز و دلکش کاندرا آن | صید شیران می‌کند آهوی چشمان شما |

۴۰۵- در بیت گزینه کلمه‌ای وجود ندارد که «هم آوا» داشته باشد.

- | | |
|--|--------------------------------------|
| ۱) شب تار است و ره وادی ایمن در پیش | آتش طور کجا، موعد دیدار کجاست |
| ۲) آسمان گر بی حسد می‌بود در ایثار فیض | دیدهای اخترش می‌داشت تاب صبحدم |
| ۳) مر مرا در مرزار معرفت باشد مقام | صید باز اندر هوا نشناسم از صید زغن |
| ۴) بی‌قراران نیستند آسوده در زیر مین | از گرآنجانمی تو بر روی زمین آسوده‌ای |

پرسش‌های جامع زبان فارسی

آزمونک جامع ۱

۴۰۶- اگر بخواهیم نمودار «وابسته و وابسته» را در مصراع‌های زیر ترسیم کنیم، کدام مورد متفاوت است؟

(هنر ۹۸)

- | | |
|--------------------------------------|---------------------------------|
| ۱) بازآ و حلقه بر در رندان شوق زن | ۲) شرط است احتمال جفاهای دشمنان |
| ۳) معجزات پنج پیغمبر به رویش در پدید | ۴) نرگس مست وی آزار دلم می‌طلبد |

۴۰۷- نقش واژه‌های مشخص‌شده در بیت زیر، کدام است؟ (هنر ۹۸)

«در هوای گل روی تو بود خواجه را هم نفس بلبل شب خیز خوش الحان همه شب»

(۱) مضاف‌الیه، مفعول، مسند، نهاد

(۳) مضاف‌الیه، مفعول، نهاد، مسند

(۲) مضاف‌الیه، مضاف‌الیه، مسند، نهاد

(۴) متمم، مضاف‌الیه، نهاد، مسند

۴۰۸- با توجه به متنی زیر، کدام گزینه غلط است؟ (هنر ۹۸)

«نوجوانی میان‌بالا با بر و بازویی خوش تراش و رعنا، سوار بر اسبی سینه‌فراخ پیشاپیش سپاه خود،

دروازه‌های غربی تهران را با هیجان و شور بسیار به قصد تبریز پشت سر می‌گذاشت.»

(۱) در متن سه نقش تبعی (معطوف) آمده است.

(۲) اجزای تشکیل‌دهنده عبارت «نهاد + مفعول + فعل» است.

(۳) در کل متن، حذف فعل به قرینه معنوی دو بار یافت می‌شود.

(۴) نقش «سوار بر اسبی سینه‌فراخ» و «پیشاپیش سپاه خود» هر دو قیدی است.

۴۰۹- در عبارت زیر، به ترتیب چند صفت پیشین و چند صفت پسین وجود دارد؟ (هنر ۹۸)

«وه که چه پاییز دلنوازی است. این برگ خشک که بر زمین سرد و بی‌روح می‌بینی نوای کدام

نی روح‌بخش را می‌نوازد؟ مثل این است که پاییز همه نوا و نغمه‌اش را در جان زمین جاری می‌کند.»

(۱) پنج، شش

(۲) پنج، پنج

(۳) شش، هفت

(۴) چهار، پنج

۴۱۰- کاربرد معنایی فعل «ماندن» در کدام بیت، متفاوت است؟ (هنر ۹۸)

(۱) ای دل بشارتی دهمت محتسب نماند

(۲) دردا که یار در غم و دردم بماند و رفت

(۳) بر آن بودش اندیشه کاندر جهان

(۴) مکن شادمانی به مرگ کسی

که دهرت نماند پس از وی بسی

آزمونک جامع ۲

۴۱۱- اگر نقش واژه‌های قافیه: متممی، مفعولی، مسندی و اضافی باشد، ترتیب ابیات در کدام گزینه درست است؟

(الف) در لباس دشمنی کردند با ما دوستی

(ب) گریه زندانی افلاک از هم نگسلد

(ج) غافلند از دستگاه مور قانع زیر خاک

(د) وه چه صیادی که از سهم تو شیران جهان

(۱) د، الف، ج

(۲) د، ج، الف، ب

(۳) ب، الف، ج، د

(۴) الف، د، ب، ج

۴۱۲- نمودار کدام گروه‌واژه، غلط است؟ (زبان ۹۸)

(۱) امتحانات بسیار فشرده رشته زبان

(۲) بهترین معمار خوش‌ذوق عمارت عالی‌قاپو

(۳) سه طاقه پارچه ابریشم بافت ایران

(۴) دوستان نسبتاً مجرب گروه آموزشی

۴۱۳- نقش واژه‌های مشخص‌شده در بیت زیر، به ترتیب، کدام است؟ (زبان ۹۸)

«سخن‌چین کند تازه جنگ قدیم به خشم آورد نیک‌مرد سلیم»

(۱) نهاد، مسند، متمم، مفعول

(۲) مسند، قید، مفعول، نهاد

(۳) مسند، قید، نهاد، مفعول

(۴) نهاد، مسند، مفعول، مفعول

- ۳۳۰- گزینه «۳» آرایه‌های ابیات: گزینه (۱): جناس؛ در، هر - استعاره؛ «این دیر مکافات» استعاره از جهان / گزینه (۲): جناس؛ گیر، شیر - استعاره؛ سخای ابر (تشخیص و استعاره) - مراعات نظیر؛ طفل و شیر / گزینه (۳): در، پر: جناس نامهمسان (ناقص) - جبریل عقل: اضافه تشبیهی - در دل: اضافه استعاری - پا و دل: مراعات نظیر. (ابیات اول و دوم تشبیه ندارند.) / گزینه (۴): استعاره؛ لاف‌زدن غنچه (تشخیص و استعاره) - تشبیه؛ لعل لب (اضافه تشبیهی) - مراعات نظیر؛ غنچه و باغ - لب و دهن
- ۳۳۱- گزینه «۴» وندی؛ نویسنده - دیده - شنیده - فرهنگی - اخلاقی - ارزشمند - یادگار / مرگب؛ نکته‌سنج - ژرف‌نگر - رهگذر - سفرنامه / وندی - مرگب؛ گوناگون.
- ۳۳۲- گزینه «۳» واژه‌های مرگب؛ ب (صاحب‌همت / ج) پابند.
- ۳۳۳- گزینه «۴» ساختمان واژه‌ها: گزینه (۱): وندی؛ اندیشه / گزینه (۲): وندی؛ بی‌سیم - مرگب‌ها؛ تهی دست - وندی - مرگب؛ خوب‌رویان / گزینه (۳): مرگب؛ عیب‌جوی - وندی - مرگب‌ها؛ پراکنده‌دل، پراکنده‌گوی / گزینه (۴): وندی؛ هستی - مرگب؛ جوانمرد - وندی - مرگب؛ تنگدستی
- ۳۳۴- گزینه «۳» وندی‌ها؛ گزینه (۲): هستی / گزینه (۳): خنده؛ مرگب‌ها؛ گزینه (۱): فتنه‌زای / گزینه (۳): دلگشا / گزینه (۴): خوش‌نوا؛ وندی - مرگب‌ها؛ گزینه (۲): شکسته‌پای / گزینه (۳): شکسته‌بال، پر و بال / گزینه (۴): آتشین‌زبان
- ۳۳۵- گزینه «۲» وندی‌ها؛ دانش - زمینه - فراگیری / مرگب؛ امکان‌پذیر / وندی - مرگب‌ها؛ دستیابی - گوناگون - بهره‌یابی
- ۳۳۶- گزینه «۱» تمام کلمات گزینه (۱): صفت مفعولی یا فاعلی هستند: گرفتار و مردار = صفت‌های مفعولی و برخوردار و خریدار = صفت‌های فاعلی. کلمات بقیه گزینه‌ها، همگی اسم هستند.
- ۳۳۷- گزینه «۴» این کلمات به جای میان‌وند، پسوند دارند: گزینه (۱): ترش‌روبی / گزینه (۲): دوچرخه، سه‌پایه / گزینه (۳): ده‌مرده، فرشته‌خویی
- ۳۳۸- گزینه «۳» ساختمان واژه‌ها: گزینه (۱): نا + اسم (ناخلف) - نا + صفت (نامنظم) - نا + بن فعل (ناگذر و ناتوان) / گزینه (۲): اسم + پسوند (شبعه‌گری، منشی‌گری) - صفت + پسوند (وحشی‌گری) - اسم + پسوند (رویگری = روی + گر + ی) / گزینه (۳): اسم + پسوند (سالانه، بچگانه، جانانه، شبانه) / گزینه (۴): صفت + پسوند (آلودگی، همیشگی، پیوستگی) - اسم + پسوند (خانگی)
- ۳۳۹- گزینه «۴» صفت‌هایی که با افزودن پسوند «ا» به بن مضارع ساخته شده‌اند: گزینه (۱): مانا، گویا، پذیرا، کوشا / گزینه (۲): دانا، رواء، جویا، بینا / گزینه (۳): رسا، گیرا، شنوا، خوانا
- ۳۴۰- گزینه «۲» معادل‌های دهش؛ روش، نگارش، کنش، آرامش (بن مضارع + پسوند) - معادل‌های نامنظم؛ ناتمام، نادرست (پیشوند + صفت)؛ نامعادل‌ها: گزینه (۱): ناشر (پیشوند + اسم) / گزینه (۳): نادار (پیشوند + بن مضارع) / معادل زیرنویس؛ دورنما (صفت / قید + بن مضارع)؛ نامعادل‌ها: گزینه (۱): زیربنا (صفت + اسم) / گزینه (۳): پیش‌پرده (صفت / قید + اسم) / گزینه (۴): دست‌بوس (اسم + بن مضارع) - معادل‌های آبرفت؛ دست‌فروشد، دست‌پخت، سرنوشت (اسم + بن ماضی)؛ نامعادل؛ خداپسند (اسم + بن مضارع)
- ۳۴۱- گزینه «۴» فرستاده بود؛ ماضی بعید - کنی؛ مضارع التزامی - نداشت؛ ماضی ساده - می‌داد؛ ماضی استمراری.

- ۳۴۲- گزینه «۳» افعال پیشوندی که با فعل ساده خود تفاوت معنایی دارند؛ درآوردن (آوردن) - برافتادن (افتادن) - برآمدن (آمدن) - واداشتن (داشتن) - برخوردن (خوردن) - درگذشتن (گذشتن) - فراگرفتن (گرفتن).
- ۳۴۳- گزینه «۴» فعل «خوردن» گذرا به مفعول است و در حالت مجهول «خورده شد» در بیت چهارم آمده است.
- 📍 «مرده» و «افسرده» در بیت اول و «زنده» در بیت دوم و سوم همگی، مسند هستند.
- ۳۴۴- گزینه «۳» فشانند در پای و زر بر سرش [فشانند] حذف به قرینه لفظی است. حذف معنوی: گزینه (۱): دعای ستم‌دیدگان در بیت [است] / گزینه (۲): یکی را که سعی قدم پیش‌تر [است] - به درگاه حق منزلت بیشتر [است] / گزینه (۴): [وقتی که] اسیران محتاج در چاه و بند [هستند].
- ۳۴۵- گزینه «۲» «شد» در مصراع «توبه کنون چه فایده دارد که نام شد» به معنی «رفتن، از دست رفتن» است و فعل ربطی محسوب نمی‌شود.
- ۳۴۶- گزینه «۲» فعل به شمار رفتن مجهول فعل به شمار آوردن است و اگر جمله‌های با مفعول و مسند مجهول شوند، به این الگو تبدیل می‌شوند: نهاد + مسند + فعل.
- ۳۴۷- گزینه «۲» فعل «می‌خواند در معنای نامیدن، از افعال پشنگ»، گذرا به مفعول و مسند است، اما در این عبارت «خوانده می‌شود» فعل مضارع اخباری مجهول است که در آن مفعول جمله معلوم، نهاد جمله مجهول است. بنابراین فعل «خوانده می‌شود» با الگوی: (نهاد + مسند + فعل) درست است.
- ۳۴۸- گزینه «۲» ترجیح می‌داد فعل مرکب است و جمله چهارجزئی با مفعول و متمم است؛ ... را بر ... ترجیح می‌داد. (الگو: نهاد + مفعول + متمم + فعل)
- ۳۴۹- گزینه «۴» گرفتن به معنی اخذکردن چهارجزئی گذرا به مفعول و متمم است: ما (نهاد) قلم را (مفعول) [از کسی] (متمم فعل) می‌گیریم (فعل).
- ۳۵۰- گزینه «۳» افعال نشست، می‌روم، نمی‌رود در گزینه سوم همگی ناگذر و دوجزئی هستند. بررسی افعال دیگر گزینه‌ها: گزینه (۱): بیفکند (گذرا به مفعول) برسد (ناگذر) است (گذرا به مسند) م - م = هستم (گذرا به مسند) / گزینه (۲): می‌کشی (گذرا به مفعول) کن (گذرا) مرو (ناگذر) می‌کشی (گذرا به مفعول) / گزینه (۴): ی = هستی (گذرا به مسند) نرسم (ناگذر) نگسلم = نگسلانم، جدا نمی‌کنم (گذرا به مفعول و متمم)
- ۳۵۱- گزینه «۴» با توجه به فعل «بشنو» نقش مفعول و با توجه به فعل مرکب «طلب کنی» چه چیزی را؟ روزی را، «روزی» مفعول است.
- ۳۵۲- گزینه «۴» صبا کجا است: «کجا» مسند - این جان: «این» صفت اشاره - چو گل: «گل» متمم، (ادات تشبیه «چو» حرف اضافه است) - فدا خواهم کرد: «فدا» مسند - گیسوی یار: «یار» مضاف‌الیه
- ۳۵۳- گزینه «۴» مرد ... قلچماق (ترکیب وصفی) - ریخت ... را (مفعول) - صاحب (مفعول) - خود بدل از پوست - دست‌کم (قید، به معنی حداقل)
- ۳۵۴- گزینه «۲» کردن به معنی گردانیدن در مصراع اول جمله چهارجزئی گذرا به مفعول و مسند ساخته است: غم (نهاد) م - (مفعول) پریشان (مسند) - رشته (نهاد).

۳۵۵- گزینۀ «۱» نقش دستوری موصوف‌ها؛ که [امن را] شمع (مسند) کشته بینی (بپنداری) و زندان (مفعول) غم‌افزا را»

دیدن در معنی پنداشتن چهارجزئی گذرا به مفعول و مسند است؛ که شمع کشته‌ام بینی = من را شمع کشته بینی (= بپنداری)

۳۵۶- گزینۀ «۲» نقش‌های تبعی: گزینۀ (۱): «طبیعت» معطوف به مفعول = مفعول - «زمستان و تابستان» معطوف به متمم = متمم / گزینۀ (۳): «احساس و جامعه» معطوف به نهاد = نهاد - «هر سه»، بدل از طبیعت، جامعه و احساس / گزینۀ (۴): «روز نخستین آفرینش» بدل از نوروز. (یک جشن ملی، در گزینۀ (۲) نقش مسندی دارد.)

۳۵۷- گزینۀ «۴» نقش‌های تبعی: گزینۀ (۱): تو خود: «خود» بدل تأکیدی / گزینۀ (۲): معطوف: گناه طالع و جرم ستاره / گزینۀ (۳): معطوف: وصف و بیان («و» در گزینۀ (۴) حرف ربط است.)

۳۵۸- گزینۀ «۴» نقش‌های تبعی: گزینۀ (۱): بدل: کشور سبز آرزوها - معطوف: رنج / گزینۀ (۲): بدل: خیال - معطوف: آزاد / گزینۀ (۳): بدل: این نخلستان خاموش - معطوف: پرمهتابی / گزینۀ (۴): بدل: پرده‌داران حرم ستر عفاف ملکوت. («و» در گزینۀ (۴) حرف ربط است.)

۳۵۹- گزینۀ «۴» نقش‌های تبعی: گزینۀ (۱): بار، بار (تکرار) / گزینۀ (۲): خورشید و حسن (معطوف) / گزینۀ (۳): تو، طاووس (بدل)

۳۶۰- گزینۀ «۲» تو خود وصال دگر بودی ای نسیم شمال = خود: بدل. در گزینۀ (۱)، گوی^۱ و گوی جناس تام می‌سازد، نه تکرار و «واو» در گزینۀ‌های (۳) و (۴) نیز حرف ربط است نه عطف.

۳۶۱- گزینۀ «۳» نقش ضمائر: گزینۀ (۱): شاید که به آبی فلکت دست نگیرد = فلک دست را نگیرد: دست تو (مضاف‌الیه) / گزینۀ (۲): آب حیوانش ز منقار بلاغت = آب حیوان از منقار بلاغتش = منقار بلاغت او (مضاف‌الیه) / گزینۀ (۳): دل دادمش: به او دل دادم (متمم) / گزینۀ (۴): از شش جهتم راه بیستند = از شش جهت راهم را بستند: راهم، راه من (مضاف‌الیه)

۳۶۲- گزینۀ «۲» نقش ضمائر متصل: الف) مضاف‌الیه: سرم = سر من / ب) مفعول: گرم به باده بشوید = اگر من را به باده بشوید / ج) مضاف‌الیه: هنوزم دماغ، پر ز هواست = هنوز دماغ من، پر ز هواست / د) مفعول: از آن به دیر مغانم عزیز می‌دارند = از آن [دلیل] من را به دیر مغان عزیز می‌دارند ...

۳۶۳- گزینۀ «۴» نقش ضمائر متصل به قافیه: گزینۀ (۱): ... گُند است زبانم = زبان من گُند است، «م» مضاف‌الیه / گزینۀ (۲): بمشکن به جفاهات کمانم = کمان من را با جفاهایت مشکن، «م» مضاف‌الیه / گزینۀ (۳): بشنو بحرِ مُحقق ز دهانم = بحرِ مُحقق را از دهانِ من بشنو، «م» مضاف‌الیه / گزینۀ (۴): می‌نهد عشق یکی لحظه امانم = عشق یک لحظه به من امان نمی‌دهد، «م» متمم.

۳۶۴- گزینۀ «۴» نقش ضمائر: الف) دردم = درد من (مضاف‌الیه) / ب) مکن ... به فردا حواله = من را به فردا حواله مکن (مفعول) / ج) بده از آنم = از آن به من بده (متمم فعل) / د) قدمت را همه فرشم = فرشی قدم تو هستم (مضاف‌الیه).

۱- «گوی» اولی ایهام هم دارد: (۱) گوی (توپ بازی چوگان) (۲) گوی (گفتن، حرف زدن)

۳۶۵- گزینه «۱» به سلامت دارش: او را به سلامت [ب]دار (مفعول)؛ در سایر گزینه‌ها ضمیر «ش» نقش مضاف‌الیه را داراست.

۳۶۶- گزینه «۴» تنها در مصراع «هر چند بی صداست چو آینه آب عمر / ...» از حرف ربط وابسته‌ساز (هر چند) استفاده شده است.

۳۶۷- گزینه «۱» در بیت اول هیچ حرف پیوند وابسته‌ساز وجود ندارد. حروف پیوند وابسته‌ساز در ابیات دیگر: گزینه (۲): «که» در «کو»: که او / گزینه (۳): تا / گزینه (۴) تا.

۳۶۸- گزینه «۱» هر کسی کاو (که او، که: حرف ربط وابسته‌ساز) دور ماند از اصل خویش

۳۶۹- گزینه «۴» شیوه بلاغی: که بس مشکل فتاده است این سؤال = این سؤال بس مشکل افتاده است.

۳۷۰- گزینه «۲» شیوه بلاغی: گزینه (۱): نصیحتی کمنت = نصیحتی به تو می‌کنم / گزینه (۳):

که در کمین‌گه عمر است مکر عالم پیر = که مکر عالم پیر در کمین‌گه عمر است. / گزینه (۴): دل رمیده ما را که پیش می‌گیرد؟: که (= چه کسی) دل رمیده ما را پیش می‌گیرد.

۳۷۱- گزینه «۱» تعیین ارزش ...: «تعیین» هسته است، اولین اسم از سمت راست، یا اولین اسم کسره‌دار، «ارزش» مضاف‌الیه است.

۳۷۲- گزینه «۳» هسته‌ها را ببینید: گزینه (۱): ساختار صرفی و ... ساخت +ار (وندی) / گزینه (۲):

نگارش نوشته‌های ... نگار + ش (وندی) / گزینه (۳): به کارگیری درست مهارت‌های زبانی، به کارگیری وندی - مرکب است: به + کار + گیر + ی / گزینه (۴): اساسی‌ترین ویرایش متون ... ویرای + ش (وندی).

۳۷۳- گزینه «۱» ساختمان هسته‌ها: گزینه (۱): پیشرفت (مرکب)، صنعت (ساده)، اندیشه

(وندی)، کمال (ساده) / گزینه (۲): گره‌افکنی (وندی - مرکب)، نمایش (وندی)، ابهام (ساده)، روند

(وندی)، اوج (ساده) / گزینه (۳): سراسر (وندی - مرکب)، حس (ساده) / گزینه (۴): گفت‌وگو (وندی -

مرکب)، گوشه‌گیری (وندی - مرکب) و قهر (ساده).

۳۷۴- گزینه «۲» رای فک اضافه: گزینه (۱): غریب را دل = دل غریب / گزینه (۳): مرا ... دل = دل

من / گزینه (۴): تو را نوح است کشتی‌بان = کشتی‌بان تو نوح است. (نوع «را» در گزینه دوم، مفعولی است).

۳۷۵- گزینه «۳» رای فک اضافه: گزینه (۱): این راه را نهایت = نهایت این راه [را] / گزینه (۲): تو را ...

پر = پر تو / گزینه (۴): گرگ را برکند سر = سر گرگ [را] برکند. (نوع «را» در گزینه سوم، مفعولی است).

۳۷۶- گزینه «۳» وابسته‌های پیشین: این، مهم‌ترین، همه، کم‌ترین، هر.

۳۷۷- گزینه «۲» وابسته‌های پیشین: این تزویر - آن طاق - آن تا

«هیج» و «چندی» صفت مبهم و وابسته پیشین نیستند؛ زیرا بعدشان هیچ اسمی نیامده است.

۳۷۸- گزینه «۴» شاخص بدون هیچ نشانه‌ای قبل یا بعد از اسم می‌آید. پس استاد، عمو و

کدخدا در استاد ما، عموی احمد، کدخدای ده هیچ کدام شاخص نیستند، بلکه هسته هستند.

۳۷۹- گزینه «۳» وابسته‌های پسین را زیرخط‌دار کرده‌ایم، توجه کنید:

«با بازنویسی می‌توانیم متون ادبی گذشته را به زبان امروزی درآوریم و عناصر کهنه آن‌ها را تغییر دهیم

و واژه‌های مهجور آن‌ها را، به تعابیر آشنا تبدیل کنیم و از این راه، مفاهیم دقیق آن‌ها را به نسل امروز

منتقل سازیم.»

۳۸۰- گزینۀ «۳» وابسته‌های پسین عبارت بودند از: صفت‌های بعد از اسم و مضاف‌الیه، توجه بفرمایید: «شاعر با قواعد عروض و [قواعد] قافیه و در چارچوب سنت‌ها و روش‌ها، در فرهنگ ایرانی دو ساخت تازه را بر ساخت‌های آوایی فارسی افزوده و از این رهگذر، اثری ادبی آفریده است که می‌توان بر آن سخن منظوم نام نهاد.»

۳۸۱- گزینۀ «۲» وابسته‌های وابسته: گزینۀ (۱): نشان در میخانه (میخانه، مضاف‌الیه مضاف‌الیه) / گزینۀ (۲): اسرار دل سوخته (سوخته، صفت مضاف‌الیه) / گزینۀ (۳): حدیث شب یلدا (یلدا، مضاف‌الیه مضاف‌الیه) / گزینۀ (۴): طلب آب رخ (رخ، مضاف‌الیه مضاف‌الیه)

۳۸۲- گزینۀ «۱» صفت‌های مضاف‌الیه: رفتار صادقانه یک نویسنده - بررسی همین ابیات - پیشرفت امور فرهنگی

۳۸۳- گزینۀ «۴» «پهلوان ده» بدل برای سید رضا - حریف متمم اسم تسلط، تسلط بر حریف - سید رضا، واژه «سید» شاخص - دو ساعت انتظار، «ساعت» ممیز. (زمین بزرگ: نهاد - گام‌هایش: متمم اسم - مبارزه: متمم فعل - کدخدا: مضاف‌الیه - متمرکدن: متمم قید)

۳۸۴- گزینۀ «۲» وابسته‌های وابسته: لای این (صفت مضاف‌الیه) شب‌بوها - پای آن (صفت مضاف‌الیه) کاج بلند (صفت مضاف‌الیه) - پشت نماز (مضاف‌الیه مضاف‌الیه).

۳۸۵- گزینۀ «۳» صفت‌های مضاف‌الیه: زبان انسان‌هایی ناشناس - گونه‌های شعر عامیانه - بازتاب ذهن جمعی - افراد یک جامعه - شناساندن ارزش‌های اجتماعی - اعضای جامعه بشری

۳۸۶- گزینۀ «۱» ترکیب‌های وصفی: این شاعر - برجسته‌ترین چهره - چهره ادبی - قرن نوزدهم - سال‌های آخر

۳۸۷- گزینۀ «۴» ترکیب‌های وصفی: یک چینه - یک شعله - یک خواب - خواب لطیف (۴ ترکیب وصفی) / ترکیب‌های اضافی: مردم شهر - موسیقی احساس - احساس تو - صدای پر - پر مرغان - مرغان اساطیر (۶ ترکیب اضافی)

۳۸۸- گزینۀ «۳» ترکیب‌های وصفی: (۱) همان اوایل (۲) قرن دوم (۳) قرن ... هجری (۴) عده‌ای معدود (۵) مردان هنرور (۶) مردان ... نگارگر (۷) آثار تمثیلی (۸) آثار ... حماسی (۹) مضامین مربوط^۱ (۱۰) شکل ابتدایی (۱۱) این حرکت (۱۲) غننامه‌های مذهبی (۱۳) ادب فارسی

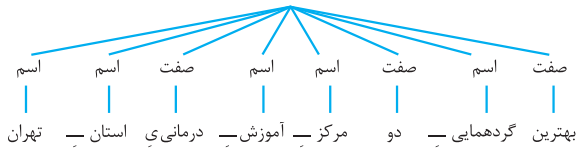
۳۸۹- گزینۀ «۱» صفت‌های پیشین: (۱) این بیان (صفت اشاره) (۲) هر نوشته‌ای (صفت مبهم) (۳) این گروه (صفت اشاره) (۴) همان زمان (صفت اشاره) / صفت‌های پسین: (۱) اصطلاحات امروزی (صفت نسبی) (۲) حالت شناخته‌شده (صفت مفعولی) (۳) بیان غیرمتعارف (صفت بیانی) (۴) بیان خنده‌دار (صفت فاعلی) (۵) نقد اجتماعی (صفت نسبی) (۶) نحو بارز (صفت ساده)

۳۹۰- گزینۀ «۱» ترکیب‌های وصفی: گزینۀ (۱): چشم بد - آن سلسله - زلف دراز - هر حلقه - عالم دیگر / گزینۀ (۲): آیینۀ روشن - خط نازسته - آن چهره - چهره انور / گزینۀ (۳): آه گرم - دل پر خون - لاله احمر / گزینۀ (۴): معنی روشن - آن زلف - زلف معنبر.

۱- اسم مفعول عربی اگر در فارسی با اسم بیاید صفت ساده است؛ مثلاً: کار مطلوب، روش مهجور، مضامین مربوط و نیز اسم فاعل عربی اگر در فارسی با اسم بیاید صفت ساده است؛ مثلاً: انسان عاشق، دوست شاعر، عشق طالب.

۳۹۱- گزینه «۲» چرا گزینه‌های دیگر نادرست‌اند؟! گزینه (۱): آن رزمنده وارسته ایران اسلامی (صفت + اسم + صفت + صفت + مضاف‌الیه + صفت) / گزینه (۳): آن دو مرد دانشمند درستکار ایرانی (صفت + صفت + اسم + صفت + صفت + صفت) / گزینه (۴): همان پهلوان نامی شاهنامه فردوسی (صفت + اسم + صفت + صفت + اسم + صفت + اسم) (صفت + اسم)

۳۹۲- گزینه «۳» الگوی صحیح، گزینه سه است:
الگوی گروه کلمه

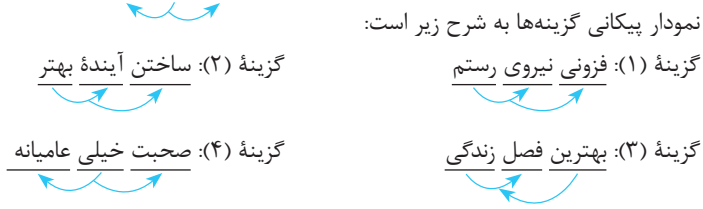


۳۹۳- گزینه «۳» الگوهای دیگر گزینه‌ها: گزینه (۱): کدام پهلوان مبارز ایران زمین (صفت + اسم + صفت + صفت + اسم) / گزینه (۲): پنج روز به جامانده عمر انسان بی‌خبر (صفت + اسم + صفت + صفت + صفت + صفت + صفت) / گزینه (۴): همان جنگجوی دلاور عرصه جنگ جهانی (صفت + اسم + صفت + صفت + اسم + صفت + صفت + صفت + صفت + صفت)

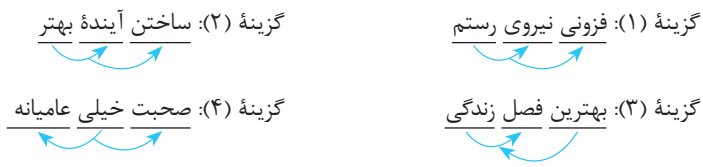
۳۹۴- گزینه «۳» بررسی روابط معنایی واژه‌ها: مترادف‌ها: گزینه (۱): مدح و ستایش - ابهام و سرگستگی / گزینه (۲): حلاوت و شیرینی / گزینه (۳): محاوره و گفت‌وگو - اطناب و زیاده‌گویی - نفز و دلکش - رسایل و جزوات / گزینه (۴): مضایق و تنگناها؛ تضادها: گزینه (۱): لاغر و سمین / گزینه (۲): سفر و حضر - مرگ و حیات / گزینه (۴): سوء ظن و حسن ظن؛ تفسیرها: گزینه (۱): دولت و رئیس‌الوزرا / گزینه (۲): پوشش و مقنعه / گزینه (۴): اسب و کهر - لباس و دزاعه

۳۹۵- گزینه «۱» کثیف در قدیم به معنای متراکم بوده است، متضاد لطیف؛ مثلاً می‌گفتند از عناصر اربعه، آتش از همه لطیف‌تر است، خاک از همه کثیف‌تر، آب از خاک لطیف‌تر است ولی از باد کثیف‌تر است.

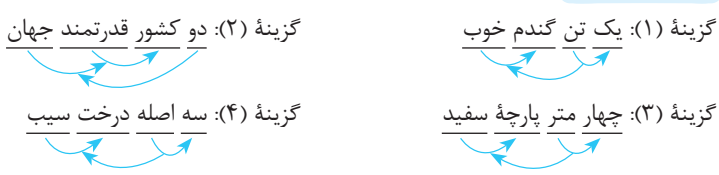
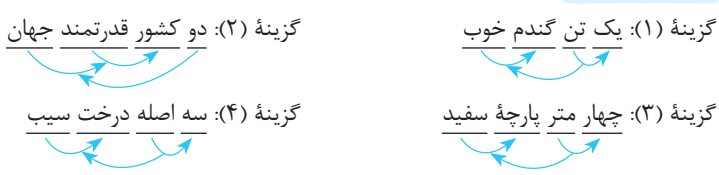
۳۹۶- گزینه «۴» نمودار گروه اسمی متن سؤال: آسمان این روستا



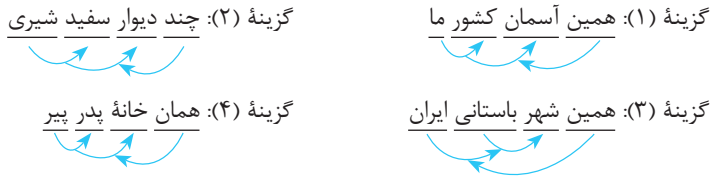
نمودار پیکانی گزینه‌ها به شرح زیر است:



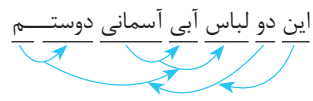
۳۹۷- گزینه «۲» نمودارهای پیکانی گزینه‌ها:



۳۹۸- گزینه «۳» همه گزینہ‌ها وابسته وابسته از نوع مضاف‌الیه مضاف‌الیه، صفت صفت و صفت مضاف‌الیه دارند، که دارای یک نوع نمودار پیکانی هستند؛ ولی گروه همین شهر باستانی ایران فقط وابسته پسین و پیشین دارد:



۳۹۹- گزینه «۲» شکل درست نمودار:



۴۰۰- گزینه «۲» نمودار وابسته‌های وابسته:

الف) جنگ هفتاد و دو ملت / ب) لوح دلم - الف قامت دوست / ج) عیار زر خالص / د) صد قافله دل

۴۰۱- گزینه «۳» هم آواها: گزینه (۱): عالی: شریف، آلی: مبحثی در شیمی / گزینه (۲): استقلال: آزادی داشتن، استقلال: طلب غله کردن (غله: گندم و جو) / گزینه (۴): تأمیر: امیری کردن، تعمیر: آباد کردن

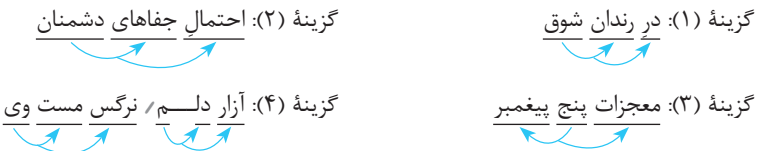
۴۰۲- گزینه «۲» هم آواها: گزینه (۱): عمارت: آبادانی، امارت: امیری - فارغ: آسوده، فارغ: جداکننده / گزینه (۲): سورت: تندى و شدت، صورت: رخسار / گزینه (۳): سنا: روشنایی، ثنا: ستایش - بهر: بهره (از بهر: برای)، بحر: دریا / گزینه (۴): بهار: فصل بهار، بحار: جمع بحر، دریاها - حزم: دوراندیشی، هضم: گوارش

۴۰۳- گزینه «۴» هم آواها: اسیر: گرفتار، عصیر: زندانی - غریب: دور از وطن، قریب: نزدیک - معمور: آباد، مأمور: فرستاده - زمین: کره زمین، ضمین: ضامن - غازی: جنگجو، قاضی: قضاوت کننده - صغیر: صدا، سفیر: فرستاده - خویش: خود، خیش: گاو آهن.

۴۰۴- گزینه «۱» هم آواها: گزینه (۲): نذیر: ترساننده، نظیر: مانند / گزینه (۳): غوی: همراه، قوی: نیرومند / گزینه (۴): نغز: دلکش، نقض: شکست

۴۰۵- گزینه «۲» هم آواها: گزینه (۱): طور: کوه طور، تور: تور ماهیگیری / گزینه (۳): زغن: پرنده شکاری، ذقن: چانه / گزینه (۴): زمین: کره زمین، ضمین: ظامن.

۴۰۶- گزینه «۳» نمودار پیکانی وابسته‌های وابسته:



گزینه (۳) معجزات پنج پیغمبر / گزینه (۴) آزار دلم / نرگس مست وی

۴۰۷- گزینهٔ «۲» قبل از یافتن نقش‌ها باید بیت را به شکل دستوری مرتب کنیم و از شیوهٔ بلاغی

خارج کنیم: بلبل شب‌خیز خوش‌الحان همه شب در هوای گل روی تو هم نفسی خواجه بود.

نهاد
فک اضافه است، خواجه را هم نفس = هم نفسی خواجه.
مضاف‌الیه مسند مضاف‌الیه

۴۰۸- گزینهٔ «۳» بررسی گزینه‌ها: گزینهٔ (۱): سه نقش تبعی: بر و بازو - خوش‌تراش و رعنا

- هیجان و شور / گزینهٔ (۲): الگوی نهاد + مفعول + فعل = نوجوانی ... دروازه‌ها ... را پشت سر می‌گذاشت. / گزینهٔ (۳): حذف به قرینه وجود ندارد. / گزینهٔ (۴): «سوار بر اسبی سینه‌فراخ» و «پیشاپیش سپاه خود» هر دو، نقش قیدی دارند.

۴۰۹- گزینهٔ «۲» صفت‌های پیشین: چه پاییز (صفت تعجبی) - این برگ (صفت اشاره) - کدام نی (صفت پرسشی) - همهٔ نوا (صفت مبهم) - همهٔ [نغمه (صفت مبهم که به قرینهٔ لفظی حذف شده است)؛ صفت‌های پسین: پاییز دلنواز (صفت فاعلی) - برگ خشک (صفت مطلق) - زمین سرد (صفت مطلق) - زمین ... بی‌روح (صفت بیانی) - نی روح‌بخش (صفت فاعلی).

۴۱۰- گزینهٔ «۲» معنی «ماندن» در بیت دوم: یار مرا در غم و درد بماند (رها کرد) و رفت. معنی «ماندن» در ابیات دیگر: باقی‌نماندن.

۴۱۱- گزینهٔ «۱» نقش قافیه‌ها: الف) شورچشمانی که داغ ما نمکدان (مسند) ساختند (= گردانیدند) / ب) وای بر شمع‌ی که بهر نه شبستان (متتم، «بهر»: حرف اضافه) ساختند / ج) تنگ‌چشمانی که با ملک سلیمان (مضاف‌الیه) ساختند / د) هم ز پهلوی نزار خود نیستان [را] (مفعول) ساختند.

۴۱۲- گزینهٔ «۴» نمودار درست: دوستان نسبتاً مجرب گروه آموزشی

۴۱۳- گزینهٔ «۴» نقش واژه‌ها: ابتدا هر مصراع را از شیوهٔ بلاغی خارج می‌کنیم، تا نقش‌ها رخ‌نمایی کنند!

سخن چین جنگ قدیم را تازه کند (= گرداند) - نیک‌مرد سلیم [را] به خشم آورد.

نهاد مفعول مسند مفعول

۴۱۴- گزینهٔ «۳» وابسته‌های پیشین: این نغمه (صفت اشاره) - همان کلمات (صفت اشاره) -

داناترین استاد (صفت عالی) - یک لحظه (صفت شمارشی اصلی)؛ وابسته‌های پسین: دلیم (= دل من: مضاف‌الیه) - نغمهٔ آسمانی (صفت نسبی) - کلمات شورانگیز (صفت فاعلی) - استاد جهان (مضاف‌الیه).

۴۱۵- گزینهٔ «۲» معنی «گذشتن» در گزینهٔ دوم: عبور کردن، بالاتر رفتن؛ معنی «گذشتن» در

گزینه‌های دیگر: مردن.

۴۱۶- گزینهٔ «۲» نمودارهای صحیح:

گزینهٔ (۱): حلقهٔ زلف سیاهش / گزینهٔ (۳): غلام همت آن رند / گزینهٔ (۴): آن زیارتگه رندان جهان

۴۱۷- گزینهٔ «۲» بررسی الگوی دستوری گزینه‌ها: گزینهٔ (۱): «ساختن» در معنای سازش کردن: نهاد +

متتم + فعل / گزینهٔ (۲): «کردن» در معنای گردانیدن: نهاد + مفعول + مسند + فعل / گزینهٔ (۳):

«رسیدن» در معنای وصل‌شدن: نهاد + متتم + فعل / گزینهٔ (۴): است، فعل ربطی: نهاد + مسند + فعل.